

# پیکره‌های تاریخی بدی

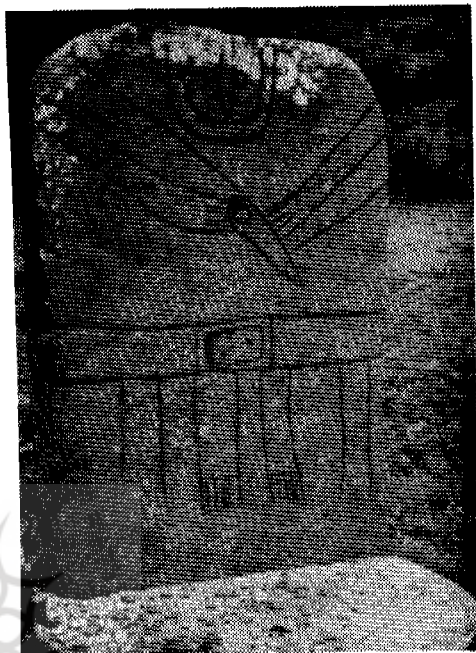
بر خلاف بناهای سنگی پیش از تاریخ که در مناطق مختلف مدیترانه کشف شده و سالهای دراز بعنوان سنگهای صیقلی شده طبیعی شناخته میشد، پیکره‌های سنگی حجاری شده‌ای که توسط یک باستان شناس فرانسوی بدست آمده نمونه‌های کوچکی از پیکرتراشی در حدود پنجهزار سال پیش میباشد.

\* \* \*

حدود سه هزار سال پیش هنگامی که تمدن تاریخی در ناحیه خاور میانه در حال شکوفائی بود، در اروپا تمدنی با خصوصیات کاملاً متفاوت باکندی تمام شکل میگرفت. خاور نزدیک بیدار شده بود، بر پا ایستاده بود، و باکوشش پی گیر بکار پیشرفت ادامه میداد، که از آنسو اروپائیان ماقبل تاریخ، بدون تمدن، و خط و نبشته، تازه از خواب بیدار میشدند.

اروپائی‌ها بناهایی خیلی ابتدائی از تخته سنگهای بزرگ و ناهمواری که بر چهار ستون نامساوی قرار داده میشد بر پامیداشتند و پیکره‌هایی خشن بصورت انسان باکنده کاری خطوط چهره بر روی تخته سنگهای مختلف میساختند.

سألها بود که اینگونه بناها بچشم یکپارچه می‌آید بطوریکه باستان‌شناسان و جغرافی دانان آنها را یک تخته سنگ طبیعی تصور میکردند و هیچ بگمان آنها نمیرسید که این سنگها بدست انسان بر روی هم قرار گرفته باشد. ژان آرنال، باستان شناس فرانسوی، بر اساس پیکره‌های حجاری و کنده کاری شده‌ای که بدست آورد، بسیاری از خصوصیات و جزئیات سنگ تراشی ماقبل تاریخ را روشن ساخت. این سنگ بناها، که روزگاری اسرار آمیز بودند، امروز خود بکشف اسرار دیگری بما کمک می‌کنند. بطوریکه در گذشته و حال ثابت شده است این آثار متعلق به یک گروه مذهبی بین‌المللی بوده است که آئین و کیش آنها، سنت‌ها، مراسم، و تشکیلات آنها سراسر جهان را شامل میشده، و دامنه نفوذ آن وسیعتر از آن بوده است که تا امروز فکر میکردیم.



در نتیجه زحمات مداوم دانشمندان ، تعداد ۳۶۲ پیکر نمای سنگی تاریخی تا با امروز بنام محل‌هایی که در آنجا پیدا شده نامگذاری گردیده و بترتیب شماره ثبت شده است . محل پیدایش آنها در یک نوار گسترده از اقیانوس کبیر تا کوه‌های اورال میباشد . در بالاترین حد شمالی این نوار یک پیکره از آلمان قرار دارد ، در حالیکه در پائین‌ترین حد جنوبی آن یک پیکره از اسپانیا ۷۰ سنگ از جزیره کرس ، ۴ سنگ از ایتالیا ، و یک سنگ از یونان بدست آمده است .

بعضی از کارشناسان ماقبل تاریخ عقیده دارند که پیکره‌های سنگی تنها نمایشگر و تن‌نمای الهه‌های مختلف میباشد . عده‌ای دیگر را عقیده بر اینست که چون پیکره‌هایی بشکل آلت مردی ساخته شده تن‌نمای خدایان و مرد هستند .

زان آرنال ، باستان‌شناس معروف عقیده دارد که این اظهار نظرها یک مشت حرف بیش نیست . اگر همه پیکره‌هایی که تاکنون پیدا شده مرد باشند ، بایستی میله‌های کارناک و سهم‌ها و کلیسای نتردام پاریس را نیز جزو آنها دانست ، و در مقابل فرورفتگی‌های تابوت‌های مصری و یافرورفتگی سنگ قبرهای مسیحیان را بعنوان علامت زن بودن قبول نمود . برای

اثبات این مدعا بایستی یک پیکرنمای سنگی ماقبل تاریخ را با دقت تمام بررسی کرد. اما در مورد پیکره‌های مذهبی معمولی این کاربرد شوخی بیشتر شبیه میشود، زیرا بعضی از این پیکرها، بویژه آنهایکه از جزیره کورس بدست آمده نه تنها واقعا "مذکر است بلکه میتوان از قیافه آنها دریافت که پیکر تراش در یک مورد میخواست است نشان بدهد که پیکره مذکر است در حالی که در مورد دیگر خواسته است نشان دهد که نه تنها یک مرد است، بلکه یک جنگجو است. پیکر تراش ماقبل تاریخ نخواست است پیکره‌های دو چهره‌ای ارائه دهد.

بغیر از یکی چند موارد استثنائی، پیکره مذهبی در اثر عوامل جوی سائیده شده است، بطوریکه انسان خیال میکند بعضی از آنها تنها یک تخته سنگ ساده میباشد. در اینصورت میتوان گفت پیکره‌های مذهبی نه یک تخته سنگ ساده است و نه یک مجسمه. تصویر روی آنها و شکل تراش آنها کمتر معلوم و مشهود میباشد. تنها با مشاهده دقیق اثری از صورت، لباس، و دستها بچشم میخورد. گاهی نیز برای مشخص ساختن این آثار بکاربردن گچ و یا زغال لازم میشود تا بتوان اثر خطوط را نمایان ساخت. البته در پاره‌ای موارد برای مشاهده خطوط و تراشهای پیکری زحمت زیاد لازم میآید تا بدانیم اصالت کار اجداد ما چگونه بوده است.

ژان آرنال پیکره‌های مذهبی را به سه گروه تقسیم نموده است:

"مرد"، "زن"، و "بدون تشخیص جنس". معمولترین نمای اینگونه سنگها بشکل بیضی، نوک تیز، و چهار گوش میباشد. سر پیکره کم و بیش در انتهای سنگ یا برگردنی باریک مشخص ایستاده است، و یا اینکه بر روی سطح سنگ کنده کاری شده، ولی در بیشتر موارد، سر در میان شانه‌ها فرورفته است.

رده‌بندی پیکرها، آنطوریکه ژان آرنال اظهار میدارد، از نمونه‌های کوچک باندازه ۷۰ سانتیمتر ارتفاع شروع میشود که در بیشتر آنها تنها صورت حجاری شده است و سپس پیکره‌های ستونی میباشد که بعضی از آنها بر تخته سنگهای بزرگ ماقبل تاریخ قرار گرفته‌اند پس از شکل و محل قرار گرفتن آنها آنچه حائز اهمیت است تعیین جنس آنهاست که درین مورد آنها را میتوان به "الهه سکوت" "الهه مرگ" و "سرهای جغد" تقسیم نمود. در واقع، تنوع شکل و نمای متمایز این پیکرها بیشتر بستگی به رسم و شیوه دفن و مقبره سازی آن زمان داشته است تا به وضع زندگی و طرز لباس پوشیدن و یا قامت طبیعی آنها در زمان حیات. در پاره‌ای از آنها طرز آرایش مرسوم آن زمان که در دهکده‌های ماقبل تاریخ متداول بوده بچشم میخورد. ... لیکن این موضوع که طرز آرایش و وضع سروموی پیکرها نشان‌دهنده بودن آنهاست درست نیست. برعکس در میان این آدمکهای سنگی، مردها دارای اکثریت هستند و در پاره‌ای موارد گروهی هم آهنگ را تشکیل میدهند.

در اجتماع امروز ، مرد تنها یک جنس متمایز را تشکیل نمیداده‌است ، بلکه مردها بصورت جنگجویان مشخص میشده‌اند . بر روی سینه‌اش اغلب یک " شیئی " حجاری شده‌است چیزی شبیه یک مربع مستطیل ، علامت قدرت و شکوه ، که معمولا " به حمایتی از شانه‌ها آویزان مینموده‌اند ، و در اصل از چرم ساخته‌میشده‌است . میتوان تصور نمود که این شیئی یا علامت شاید شیپور جمع ، شیپور شکار ، یک خنجر ، قداره ، و یا یک جعبه سنگ چخماق بوده‌است .

نمونه‌هایی از آن اشیاء که از چوب و یا استخوان حیوانات ساخته‌شده ، امروز موجود میباشد و از کاوش‌های مربوط به ماقبل تاریخ بدست آمده‌است گواه این مدعا و نمایشگر اصالت این فرضیه‌هاست . قدیمی‌ترین این اشیاء ، بر اساس محاسبه با کربن ۱۴ ، به ۲/۵۰۰ سال پیش از زمان ما مربوط میشده . و این نیز بدیهی است که انسان روزگاری تیرو یا کمان و تیردان را بر روی شانه چپ خود حمل مینموده‌است .

زن‌ها فاقد این " علامت " هستند ، و در عوض با گردن بند و سایر تزیینات آراسته شده‌اند . عموماً " موهای بلند انبوهی بر پشت و گردن آنها ریخته و قلاب‌بزرگی بکمر بند روی باسن آنها متصل است . وضع ظاهری آنها آرام و خالی از هرگونه تعرض و رزمجویی است ، تا آنجا که نه تنها برآمده نیست ، بلکه کمی توخالی هم هست . در نتیجه همین تفاوت جزئی است که ثابت میکند شش پیکره مذهبی واقع در فرانسه و یک پیکره ایتالیائی ، که مربوط بیک دوره ویژه‌ای هستند فاقد این علامات بوده و در واقع درین دوره تغییر جنس داده‌اند . واقعیت امر این بوده‌است که پیکر تراشان برای مدت زمانی در مشخصات ظاهری مرد و زن تغییراتی داده‌اند که از آنجمله حذف " علامت " در سینه مرد و از بین بردن سینه‌های برجسته مرد بوده‌است ، و باصطلاح پیکره‌های مذهبی برای اولین بار زن پیکر شده‌اند . اما از قرائن اینطور برمیآید که قبایل رفته رفته باین نقص پی برده و دستور داده‌اند آن " علامت " در دست مرد دوباره حجاری شود . این بار بطوریکه مشهود است هنرمند سینه‌راست مرد راکه در طرفی بوده که " علامت " قرار میگرفته فرورفته حجاری مینموده و تنها سینه چپ را برآمده میساخته‌است . لیکن این روش هم به مرور زمان منسوخ گردیده و زمانی رسیده‌است که کلیه علامات برای نشان دادن پیکره بصورت مرد از بین برده شده و بجای آن گردن بندی زنانه خیلی بزرگ در پنج رشته روی سینه پیکره حجاری نموده‌اند . . . .

پیکره‌هایی که جنس آنها مشخص نیست بنام " نامشخص " شناخته میشوند زیرا تنها صورت آنها بر بالای تخته سنگ مشخص شده‌است . گاهی دیده شده‌است که سر تنها قسمت حجاری شده پیکره‌است و تمام قسمت‌های دیگر را که تنها یک تخته سنگ است تحت الشعاع قرار میدهد . اینگونه سنگها بیشتر در مناطق دور دست پیدا میشوند ، و متعلق به سه



هزار سال پیش میباشند . بیکره‌های دیگر باحالتی مشابه هستند منتها بیکر تراش سر را بطور کامل حجاری نموده ولی از زیر چانه ببعد کار تراشیدن رامتوقف نموده و اینکار نه از روی عمد ، بلکه برحسب تصادف بوده است .

ژان آرنالد میگوید "آثار مذهبی بین‌المللی پیش از تاریخ" بر خلاف آنچه در امروز متداول است نمیتوانست کلیه ایدئولوژیهای مربوط به خود را از طریق وسائل ارتباطی معمولی ابراز نماید . اگر مرکز ترویج و اشاعه مذهبی بعلت نارسائی و سائل ارتباطی ، و نبودن خط و نبشته ، ناشناخته میبود ، تبلیغات کیشی و آئینی با وسائل دیگری به حیات خود ادامه میداد . پیام‌ها و گفتارهای مذهبی توسط کارکنان معادن مس ، طلا ، و قلع ، و فروشدگان و پیلهوران این فلزات در اطراف تاشاعهای بسیار دور دهان بدهان باز گو میشد . و تقریبا " همه از آن آگاهی مییافتند . گاهی اوقات بادیه نشینان در کوچهای خود و حتی شبانانی که در یک منطقه ساکن بودند در ترویج و اشاعه دستورات مذهبی مستقیما " دخالت داشتند . همانگونه که کاوش‌های همکار بریتانیائی من آقای جیمز ملارت در ناحیه کاتال هیووک گواهی میدهد ، مذهب در آن زمان جنبه آسمانی نداشته است بلکه یک پدیده و دستورالعمل

زمینی بوده که بیشتر در اطراف زندگی عصر سنگهای صیقلی دور میزده است . و اموریکه مذهب درباره آنها به بحث و راهنمایی میپرداخته عبارت بوده‌اند از کارهای زندگی روزانه آئین شکار ، آئین گله داری و دامداری ، روش‌های کشاورزی تازه پدید آمده ، و دستورات مختصری در باره طول عمر که بیشتر از طریق پرستش ارواح مردگان انجام می‌گرفته‌است . پیکره‌های مذهبی آن زمان بصورت مرد و زن تراشیده شده‌اند ، و هیچ ارتباطی با جنبه‌های روحانی افلاطونی و ماوراء الطبیعه ندارند .

اینک دلیل تقسیم پیکره‌ها به مرد و زن را که تاکنون نادیده گرفته شده بود می‌توانیم از روی آمارهای موجود بدست آوریم . پیکره‌های مرد پیدا شده مربوط به سه هزار سال پیش از زمان ماکه سلاح‌های مختلف بدست دارند دو سوم ( $\frac{2}{3}$ ) کل پیکره‌ها را تشکیل می‌دهند و پیکره‌های زنها تنها یک سوم ( $\frac{1}{3}$ ) این تعداد است . در مقابل تعداد پیکره‌های مرد سلاح بدست که در دو مزار سال پیش پیدا شده‌است نود درصد (۹۰ درصد) و تعداد پیکره زنها در همان زمان تنها ده درصد (۱۰ درصد) میباشد . آیا این آمار دلیل بر شدت گرفتن جنگها و زدو خورد هانیست ؟

اشاعه آئین و مذهب‌های ماقبل تاریخ در سطح بین‌المللی توسط پیکر تراشان و مبلغین صورت می‌گرفت که در کیش خود متعصب بودند و در مسافرت‌های خود بنقاط دور دست تبلیغ می‌کردند و لزوم تراشیدن و بجای گذاشتن پیکره‌ها را یاد آور میشدند و گاهی نیز خود آثاری از پیکره‌ها بر جای می‌گذاشتند .

یکی از ساکنین فرانسه ، تنها یا باتفاق فامیل خود به گرنا دا واقع در اسپانیا کوچ مینمود . در آنجا صنعت پیکره مذهبی تراشی خود را دائر می‌کرد و مورد استقبال عموم قرار میگرفت .

یک ایتالیائی از اطراف اسپریمیرفت و در ناحیه رود زمستفر میشد . روز بعد شروع بکار می‌کرد و پس از چندی در شکارگاه معروف ناحیه پیکره‌ای بسبک ایتالیائی برپا میداشت . . . نفوذ هنری نیز بنوبه خود در میان هنرمندان متداول بود .

پیکره مذهبی نوووزیر کاسک ( مربوط به روسیه ) بیک پیکره مذهبی ساخته شده در ایتالیا برای همان منظور ، بی شباهت نبود .

پیکره های مذهبی یافته شده در لاریسای یونان و کلیه پیکره‌های یافته شده در آویرون فرانسه دارای گردن بند هستند ، و شکل سینه ، کمر بند ، رانها ، و بازو ها در همه آنها تقریباً " یکسان است .

## ۳۶۲ بیکره مذهبی در سراسر جهان بدست آمده که

۲۰۹ عدد آن از فرانسه بوده است .

آلمان	۱ عدد
بلغارستان	۱ عدد
اسپانیا	۵ عدد
فرانسه	۲۰۹ عدد
یونان	۱ عدد
ایتالیا	۵۷ عدد
پرتغال	۵ عدد
رومانی	۲ عدد
سوئیس	۳۱ عدد
اتحاد شوروی	۵۰ عدد

جمع ۳۶۲ عدد

سنگهای لازم برای ساختن بیکره از همان محل و یانواحی نزدیک بآن تهیه میگردد است . سنگهای خاکستری مانند گرانیت و نیز سنگ سماق را برای بیکرتراشی ترجیح میداده اند و این در صورت وجود داشتن این سنگها در دسترس بوده است . اما در دشتها از سنگهای رسوبی ، با وجود یکه دوام کمتری داشته ، استفاده میشده است . شکل سنگها و ابعاد آنها برای بیکرتراشی مهم نبوده است ، اما در بیشتر موارد ترجیح میداده اند که سنگها تازه از زیر خاک بیرون آورده شده باشد ، زیرا در اینصورت از سایشهای باد و باران و یخبندان در امان مانده و سالم میبوده اند . در باره چگونگی استخراج و حمل این سنگها هیچ اطلاعی در دست نیست . در صبر و تحمل انسان ماقبل تاریخ تردیدی نیست و بنا بر این برای ترکانیدن صخره‌ها آتش و آب را بطور متناوب بکار میبردند . اگر هم در باره روش و ابزار کار آنها اطلاعی نداشته باشیم . نمونه کارهایی که امروز در دست ماست ظرافت و دقت کار آنها را گواهی می‌کند .

بیکره‌های ساخته شده از سنگ گرانیت ، پس از کشف آهن ، اسلوب و روش دیگری را نشان میدهند . در این زمان سوراچهائی بفاصله ۱۰ تا ۳۰ سانتیمتر در سنگ بوجود می‌آوردند و در آنها تکه‌های چوب خرد میبردند . سپس آن‌میخها را با ضربه‌های محکم میکوبیدند تا سنگ از هم جدا شود . بنابراین اندازه بیکره‌های تاریخی بسته به میل آنها و اندازه‌هائیکه

در نظر داشتند ساخته می‌شده است . پس از تراشیدن پیکره که با ابزاری از سنگ چخماق صورت می‌گرفته ، ناصافی‌های آنرا با ابزارهای کوچکتر و دقیقتر می‌گرفته‌اند و در آخر کار برای صیقلی ساختن سطح پیکره‌ها زشن و آب ، با سائیدن‌های پی در پی استفاده می‌نموده‌اند . در پایان پیکرتراش ، ساختن و بوجود آوردن ریزه‌کاریها و خطوط چهره مستلزم وقت زیادی بوده‌است . پیکرتراشان ماقبل تاریخ از روشهایی که کار را آسان کند و در وقت صرفه جویی کند آگاهی نداشتند . چون سنگ خیلی سخت بوده‌است پس از صاف کردن مختصری به تراشیدن و ساختن خطوط چهره می‌پرداخته‌اند . پیکرتراش در ساختن هیکل و چهره دقت می‌کرده که نتیجه کارش برای نشان دادن هدف و منظور کافی باشد .

از یادداشت‌های ژان آرنالد مطالب زیر را میتوان نتیجه‌گیری نمود .

۱- از جدول پیشرفت و تکامل مذاهب میتوان دریافت که آئین پیکره‌های مذهبی پس از مذهب دوره ساختمان بقاع چهار ستونی مذهبی سنگی که به ۴/۰۰۰ سال تا ۲/۵۰۰ سال پیش از زمان ما مربوط میشود ، پیدا شده است . در واقع میتوان آنرا نخستین مذهب غربی که دارای علامات و نشانه‌های حجاری شده است بحساب آورد .

۲- برخلاف عقاید مختلفی که در بین باره‌بیان شده است ، پیکره‌های تاریخی مذهبی مانند بقعه‌های مذهبی بنیان بریتانیایی و یانورویک ندارند ، بلکه یک پدیده‌ای اساساً مدیترانه‌ای هستند . از میان ۲۰۹ پیکره مذهبی یافت شده در فرانسه تعداد ۱۸۸ عدد آن از مرکز فرانسه بدست آمده است .

۳- فراوانی پیکره‌های مذهبی تاریخی در کشور فرانسه ، نه تنها بدلیل آنستکه این ناحیه از اروپا در گذشته از وفور نعمت بیشتری بهره ور بوده‌است . بلکه برای این است که پیروان این عقیدت بیشتر بفرانسه کوچ کرده‌اند تا بنقاط دیگر .

۴- روش زندگی پیکرتراشان پیکره‌های مذهبی تاریخی در زمانهای مختلف و نواحی مختلف متفاوت است . از اواسط عصر سنگهای صیقلی شده ، طایفه و یا ایل تشکیل گردیده است و در اینصورت سلسله مراتبی برای رؤسای آن بوجود آمده و هر دسته از طایفه و یا ایل موظف بانجام کاری بوده اند که از آنجمله دسته‌ای وظیفه تراشیدن پیکره‌های مذهبی تاریخی و کار گذاشتن آنها را بعهده داشته‌اند . مطالعه در وضع این پیکره‌ها اطلاعات و سوابقی را که ما از اروپای قبل از تاریخ داریم تغییر نمی‌دهد .

۵- پیکره‌های تاریخی مذهبی به سئوالات مادر باره اروپای سه هزار سال پیش پاسخ می‌گوید ، بهمانگونه که بقعه‌های تاریخی و پیکره‌های یافت شده در بین‌النهرین و مصر از گذشته آن سرزمین‌ها حکایت می‌کنند ، با این تفاوت که بناها و آثار پیش از تاریخ بین‌النهرین نه تنها بر مراتب ظریعتر و هنرمندانه‌تر ، بلکه سرشار از نموی بی نظیر اند که اجداد اروپائیان از آن بی بهره بوده‌اند .